



چیمرائی
chamraniha.com



کتاب الکترونیکی

بسم الله الرحمن الرحيم



بازی و فعالیت، لازمه ی زندگی کودکان است. چقدر خوب می شود که این ضرورت و لازمه زندگی کودکان، با هم بازی شدن ما بزرگ تر ها با کودکانمان شیرین تر شود.

در این کتاب سعی شده است که فعالیت ها ساده و جذاب و همچنین با چاشنی خیال همراه شود تا کودک با شما همکاری کند . فعالیت ها به دو دسته آشپزی و خیاطی تقسیم بندی شده اند. سعی شده که از ابزارهای ساده و در دسترس استفاده شود و پیشنهاد می شود. اگر ابزاری را در منزل ندارید از قبل به صورت قصه ای کوتاه، روند بازی را برای کودکان تعریف کنید و بعد در کنار تعریف داستان، برنامه خرید و تهیه ابزار ها را همراه کودک خود بچینید.

بهتر است ابزار فعالیت ها از قبل آماده شود و چه خوب است که در زمان و مکان مناسب از جانب شما به کودک پیشنهاد شود.

سعی کنید خودتان هم همراه کودک شوید و با بال و پر دادن به خیال هایتان، در پیشبرد فعالیت ها کمک کنید . در انتها خواهیم دید که روند فعالیت برایتان مهم باشد، نه صرفا نتیجه کار و فعالیت ها .



آنچه در این کتاب می خوانید:

آشپزی و پخت و پز

۱۱. مسافرت با مبل
۱۲. آشپزی برای عروسک ها
۱۳. دست های نرم
۱۴. کرم های بی چشم و دهان
۱۵. سالاد عجیب غریب
۱۶. سالاد مخصوص
۱۷. ترشی کلم
۱۸. رستوران خانگی
۱۹. مهمان من
۲۰. پیتزایی برای عروسک ها

خیاطی و دوخت و دوز

۱. چپ چپ چپ، راست راست راست
۲. پرده ی دست دوز من
۳. تغییر چهره گونی
۴. بشقاب پرنده
۵. کارخانه جوراب بافی
۶. خانه عروسک ها
۷. نقاشی پارچه ای
۸. عروسکم چادر میخواد
۹. شاگرد خیاط
۱۰. آبنبات های ابدی

خیاطی و دوخت و دوز



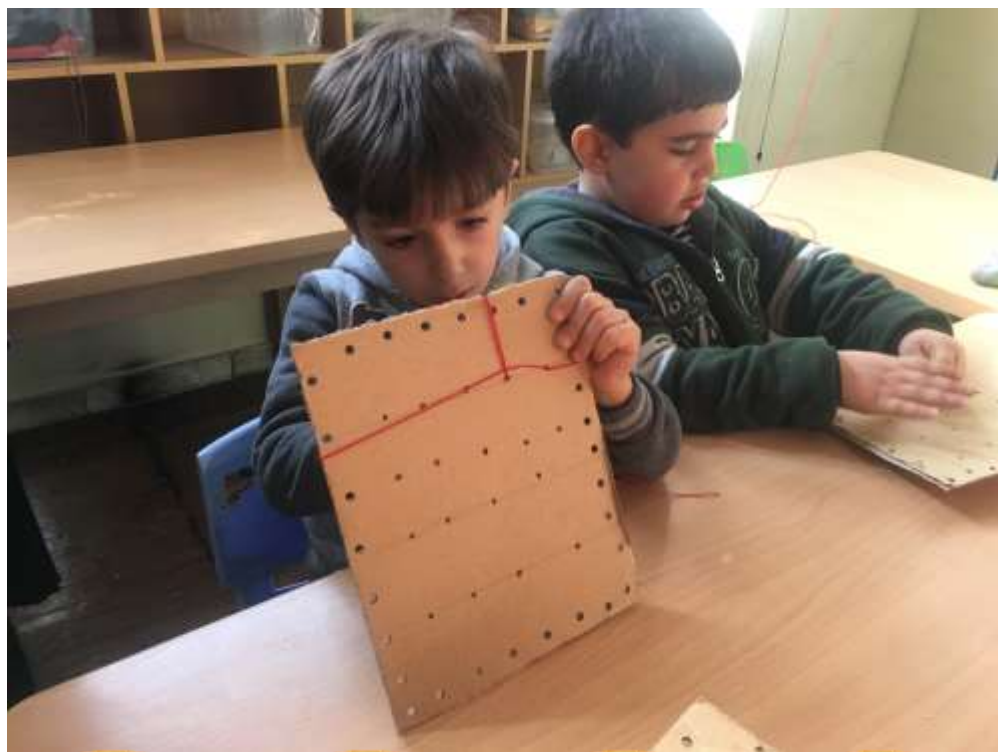
۱. چپ چپ چپ، راست راست راست

ابزار:

مقوای سوراخ شده

کاموا

سوزن



وقتی می خواستیم پیاده به خانه ی جدید خاله برویم، من یکم جلوتر از مامان حرکت می کردم. به یک دوراهی رسیدیم. از مامان پرسیدم: کدام طرف باید برویم؟ مامان گفت: چپ. راستش من جهت ها را بلد نبودم و داشتم مسیر را اشتباه می رفتم. شب که به خانه رفتیم، با مامان و بابا یک بازی با جهت های مختلف انجام دادیم. بازی مان اینطوری بود که هر کدوم مان یک مقوا که پر از سوراخ بود را به همراه یک سوزن و یک کاموا برداشتیم. نوبتی، من به بابا، بابا به مامان و مامان به من جهات مختلف مثل چپ، راست، بالا و پایین را می گفتیم و هر کدام از ما باید از یک نقطه، با نخ و سوزن به آن جهت حرکت می کردیم. برای جالب تر شدن بازی، بابا پیشنهاد داد جهات را می شود با تعداد خانه ها همراه کرد: مثلاً دوتا خونه به راست.



۲. پرده‌ی دست دوز من

ابزار:

پارچه

نمد

قیچی

سوزن

نخ



جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

یک روز گرم تابستانی که در اتاق، خواب بودم، یکدفعه با نور شدید خورشید که در چشمانم افتاده بود، بیدار شدم. نگاه کردم دیدم پرده اتاق خیلی نازک است. از مامان راهنمایی خواستم و با هم به این نتیجه رسیدیم که یک پرده ضخیم تر برای پنجره کوچک اتاق بدوزیم.

انتخاب و خرید یک پارچه، برای پرده اتاق را در برنامه آخر هفته گذاشتیم.

وقتی دیدم می توانم نیاز های خانه را برطرف کنم و به من هم یک مسئولیتی داده شده، خیلی خوشحال شدم.

بعد از خرید، تقسیم کار کردیم. بابا اندازه های پنجره را گرفت. مامان هم پارچه را برید. من هم پرده رو با بریدن اشکال مختلف روی نمد و دوختن آن روی پرده تزئین کردم.



۳. تغییر چهره گونی

ابزار:

کاموا

سوزن

ماژیک

گونی

قیچی



بابا امروز با یک گونی برنج به خانه آمد. پیشنهاد داد که روی آن نقاشی دوختنی انجام بدهیم.

من کلی تعجب کردم و گفتم: این دیگه چه جور نقاشی ایست؟

با مامان و بابا نشستیم و گونی را در اندازه های مختلف بریدیم. با ماژیک روی آن نقاشی کشیدیم و بعد با نخ و سوزن، روی خطوط نقاشی مان را دوختیم .



۴. بشقاب پرنده

ابزار:

مقوای سوراخ شده

سوزن

کاموا



امروز یک بازی جذاب به خانه ما آمده بود. یک صفحه گرد که پر از سوراخ بود، یک سوزن پلاستیکی و یک تکه کاموا.

من، مامان و بابا هر کدام یک بسته از این ابزار ها را داشتیم. هر کدام یک مدل با آن بازی کردیم. من سوزن را با کاموا نخ کردم و از سوراخ ها رد کردم. یک بشقاب پرنده عجیب درست کردم و کلی با آن پرواز کردم.



۵. کارخانه جوراب بافی

ابزار:

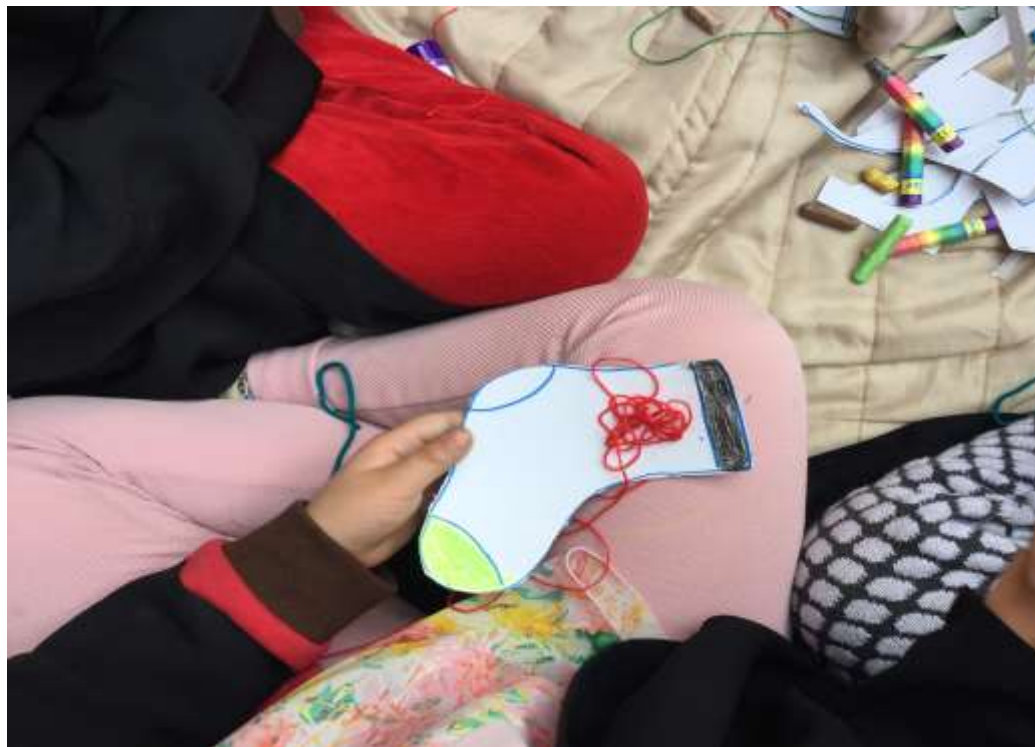
کاغذ

قیچی

کاموا

سوزن

مداد



همیشه دوست داشتم در یک کارخانه جوراب بافی کار کنم و برای خودم جوراب
های رنگی ببافم.

بابا آن روز یک قصه در مورد این کارخانه تعریف کرد. من و مامان هم شروع به
ساخت این کارخانه کردیم. با کاغذ، کاموا و سوزن شروع به بافتن جوراب کردیم.



۶. خانه عروسک ها

ابزار:

سبد

پارچه

قیچی

سوز

ن

نخ



امروز وقتی مامان به اتاق آمد و دید همه وسایل خاله بازی ام روی زمین پخش شده، سریع از اتاق بیرون رفت. بعد از مدتی با یک پارچه و یک سری وسیله برگشت.

قرار شد برای عروسکم و وسایل خاله بازی ام یک خانه درست کنیم که هم وسیله ها روی زمین نباشد و هم عروسکم یک جای مشخص برای خودش و وسایلش داشته باشد.

من به ذهنم رسید پارچه را روی سبد بگذارم و دور تا دورش را بدوزم و برعکسش کنم. اما خدا می داند چند تا راه دیگر برای ساخت یک خانه عروسکی وجود دارد .



۷. نقاشی پارچه ای

ابزار:

پارچه

قیچی

چسب

خودکار



یک روز برای بابا یک نقاشی خیلی قشنگ کشیدم. بابا هم خیلی از آن خوشش آمد.
پیشنهاد داد برای اینکه بیشتر نقاشی ام را ببند و دیرتر خراب شود، طرحش را روی
یک تابلو پارچه ای، اجرا کنیم.

من یک خانه، یک درخت و یک آدم کشیده بودم. با کمک بابا، طرح ها را روی
پارچه کشیدیم، برش زدیم و روی یک پارچه چسبانیدیم .

یک تابلو قشنگ حاصل کار من و بابا! چقدر نقاشی ام قشنگ تر شد.



۸. عروسکم چادر میخواد

ابزار:

خردۀ پارچه

قیچی

متر



عروسکم وقتی دید من و مامانم چادر داریم، او هم خیلی دوست داشت که یک چادر داشته باشد.

با اجازه، یک سر به خرده پارچه های مامان زدیم و آنجا عروسکم از یک پارچه برای چادرش خوشش آمد. با پول های کاغذی که درست کرده بودیم، پارچه را از مامان خریدیم.

بعد دست به کار شدیم . من اول با متر قدش را اندازه گرفتم. بعد برایش پارچه را بریدم و دوختم .

حالا ما سه تا برای بیرون رفتن شکل هم شدیم.



۹. شاگرد خیاط

ابزار:

سوزن

نخ

خرده پارچه

قیچی

کاغذ

مداد



بابا به مغازه خیاطی نزدیک خانه مان، یک کت و شلوار سفارش داد تا برایش بدوزند. موقع تحویل گرفتن ، من هم با او رفتم. خیلی از آنجا و وسیله هایش خوشم آمد.

عمو خیاط هم وقتی ذوق من را دید، پارچه های اضافه و یک سوزن و قیچی به من داد تا برای خودم یک چیزی بدوزم .

بابا کنارم نشست. یک کاغذ و خودکار از جیبش در آورد و به من داد. من طرح چیزی که می خواستم بدوزم را کشیدم و با کمک بابا، سوزن را نخ کردم و شروع به دوختن کردم.



۱۰. آبنبات های ابدی

ابزار:

پولک

چوب

بستنی

چسب



همیشه دوست داشتم یک آبنبات هایی داشتم که هیچ وقت تموم نشوند.

با مامان در وسیله های خیاطی و کارهای دستی اش گشتیم. من برای ساخت آبنباتم، یکم از پولک ها و یکم چوب بستنی برداشتم. خودم هم چسب داشتم. کارخانه آبنبات سازی ام را راه انداختم.

یکی شان شبیه آدم بود. یکی شان شبیه بستنی، یکی شان یک کیک.

مامان هم دلش خواست و آمد تا شاگرد کارخانه من شود. او برای خودش و بابا یک آبنبات شکل گل درست کرد.



آشپزی و پخت و پز



۱۱. مسافرت با مبل

ابزار:

مقوا

کاموا

نمک

آب

ظرف



من و مامان و بابا خیلی دل مان می خواست مسافرت برویم اما بابا در اداره خیلی کار دارد. بنابراین تصمیم گرفتیم با بابا و مامان، سوار قایق خیالی مان بشویم و با کمک وسیله هایی که در کوله مان گذاشته بودیم، شام را در قایق مبلی مان بخوریم.

به جای سبزی، یکم مقوای سبز خرد می کنیم، یکم آب دریا از پارچ می ریزیم. یکم کاموا به جای رشته ها، یکم نمک، خب آش مان آماده است؛ بفرمائید شام دریایی .

وای ببینید ماهی ها هم امشب آمدند تا با ما شام بخورند.

به مامان می گویم: مامان عیب نداره یکم مبل خیس شد، الان میرم دستمال می یارم قایق رو خشک می کنم.



۱۲. آشپزی برای عروسک ها

ابزار:

ماکارونی
ظروف خاله بازی



مامان می خواست برای ناهار، ماکارونی درست کند. من هم از او خواهش کردم که یکم ماکارونی برای من کنار بگذارد .

وقتی که ماکارونی ها نرم شد، سهم خودم را برداشتم. ظروف خاله بازی را آوردم و برای عروسک هام یک غذای خوشمزه درست کردم.

بابا و مامان هم وقتی که دیدند من حسابی مشغول بازی هستم، قابلمه غذا و سفره را به اتاق من آوردند و باهم همسایه شدیم.

آنها از غذای من چشیدند و من هم از غذای آنها خوردم.





۱۳. دست های نرم

ابزار:

آرد

دستکش پلاستیکی

سفره



بعد از ظهر وقتی که نشسته بودیم، یک دفعه دیدم بابا با ۳ تا دست سفید آمد و کنارم نشست. اولش فکر کردم یک دست واقعی همراهش است. نرم و اندازه دست های بابا بود. بعد مامان یک سفره آورد و شروع به بازی کردیم.

اولش کلی انگشت ها را کشیدیم و تکان دادیم و با آنها اشکال مختلف درست کردیم. آنها را شمردیم و اعداد را با انگشت ها نشان دادیم. مثلاً مامان می گفت: عدد ۳. من و بابا باید با انگشت ها، عدد ۳ را نشان می دادیم.

بعد یک دفعه دیدم دست نرم من پاره شد. وای آنقدر هیجان زده شدم که دیدم در آن آرد هست. آخه من عاشق بازی با آرد هستم.



۱۴. کرم های بی چشم و دهان

ابزار:

ماکارونی رنگی یا پخته شده با رنگ خوراکی

طناب

قیچی



یک روز که از خواب بیدار شدم، دیدم یک عالمه کرم رنگی روی طناب هست. جلوتر
که رفتم دیدم کرم ها نه چشم دارند و نه دهان.

اگر مامان جلو نمی آمد و نمی خندید، فکر می کردم که هنوز خواب هستم.

از او پرسیدم: این ها چی هستند؟ مامان گفت: خوب نگاهشون کن، ببین میتونی
حدس بزنی؟

دست زدم دیدم یک ذره چسبناک اند، خوردم دیدم مزه ماکارانی می دهند.

روی میز یک قیچی دیدم و یک بازی خوب به فکرم رسید. بادست چپ مان (چون ما
همیشه با دست راست کارهای مان را انجام می دهیم) ماکارانی ها را با مامان قیچی
کردیم و کلی خندیدیم.



١٥. سالاد عجيب غريب

ابزار:

كشمش

كلم

هويج



یک روز که به خانه مادر بزرگ رفته بودیم، دیدم که یک سالاد رنگارنگ در سفره است. اولش از این موجود عجیب خوشم نیامد اما به پیشنهاد مادر بزرگ یک قاشق امتحان کردم. همین که خواستم دوباره بخورم، دیدم چیزی از آن نمانده. الان که یک هفته از آن روز می گذرد، هنوز دلم می خواهد از آن سالاد درست کنم و بخورم.

در یخچال را باز کردم و هر چی که به درد آن سالاد می خورد را با کمک ماما برداشتیم و دست به کار شدیم. یک هویج، یکم کشمش، کمی کلم.

خب حالا فکر کنم هویج های سالاد مادر بزرگ رنده شده بود .

مامان کشمش ها را هم شست . بابا هم کلم ها را خرد کرد. هر سه نفرمان، مواد را با هم مخلوط کردیم و حالا یک ظرف بزرگ از آن سالاد خوشمزه ی عجیب داریم.



۱۶. سالاد مخصوص

ابزار:

کلم

چاقو

ماست

آبلیمو

نمک



امروز روز تعطیل بود. با بابا برای خرید به بیرون رفتیم. ماما گفته بود که کلم هم
بخریم.

وقتی به خانه برگشتیم، ماما ناهار را درست کرده بود و قرار شد من سالاد را
درست کنم.

اول کلم ها را خوب شستم و بعد به ریز ترین حالت ممکن! خردشان کردم حالا
برای تکمیل سالاد مخصوصم، نیاز به یک سس دست ساز داشتم .

ماست، آبلیمو و نمک را مخلوط کردم و بله! سالاد آماده است بفرمائید.



۱۷. ترشی کلم

ابزار:

کلم

سرکه

چاقو

کاغذ

مداد

چسب



امروز بابا از باغ یکی از دوستانش یک عالمه کلم به خانه آورده بود. من از دیدن آن همه کلم یک جا ذوق زده شده بودم.

اول کلی با آنها بازی کردیم و قلشان دادیم. بعد آنها را شستیم و هر کس فکرش را در مورد این حجم از کلم گفت.

بالاخره درست کردن ترشی کلم، رای بیشتری آورد. پس اول از همه آنها را شستیم و بعد آن ها را خرد کردیم و در یک ظرف ریختیم.

من هم که علاقه زیادی به تزئین دارم، علامت مخصوص خانواده مان را روی کاغذ کشیدم و به ظرف چسباندم.





۱۸. رستوران خانگی

ابزار:

قیچی

چسب کاغذی

پاستل



همیشه وقتی رستوران می رفتیم دلم می خواست می توانستم جای صاحب آنجا باشم
و سفارش غذا بگیرم.

یک بار که با مامان و بابا به رستوران رفتیم، همه جا را خوب نگاه کردم و با بابا
پیش آقای که سفارش غذا می گرفت رفتیم و در مورد شغل شان صحبت کردیم.
فردای آن روز تصمیم گرفتیم یک رستوران در خانه درست کنیم. یک میز، کاغذ و
پاستل می خواستیم.

بابا با کاغذ، پاستل و قیچی پول درست کرد، من هم لیست غذا را درست کردم.
مامان هم مشتری رستوران مان شده بود.



۱۹. مهمان من

ابزار:

سیب زمینی

زردچوبه

نمک

نعنا

رنده

چاقو



امروز کلی مهمان داریم. قرار است دوستانم و مامان هایشان برای ناهار به خانه ما بیایند.

باید لیست خرید بنویسم. اما من که نوشتن بلد نیستم. مامان تا دید من در فکر هستم، پیشنهاد داد که می توانم یک لیست تصویری بکشم. من موادی که نیاز داشتم را کشیدم و با هم دست به کار شدیم. سیب زمینی ها را روی گاز گذاشتیم تا بپزد. تا سیب زمینی ها آماده شود، اتاقم را آماده کردم. سفره را انداختم و منتظر شدم تا با دوستانم، یک غذای مخصوص سرآشپز درست کنیم.

یکی سیب زمینی ها رو خرد کرد. یکی رنده کرد. من هم آنقدر نمک زده بودم که غذایم شور شور شده بود اما تجربه خوبی برای مان شد.



۲۰. پیتزایی برای عروسک ها

ابزار:

چوب بستنی

پولک

کاغذ

مداد رنگی



یک روز که داشتیم با مامان، خاله بازی می کردیم، یکدفعه دیدم عروسکم گشنه
اش شده است. بابا رفت و از کشو لوازم التحریر، مواد لازم برای آشپزی خیالی مان
را خرید و با هم دست به کار شدیم. قرار شد پیتزا پزیم .

مامان پیازهای پولکی را خرد و سرخ کرد. من هم روی کاغذ، گوشت و مواد لازم
دیگر را کشیدم، رنگ کردم و روی پیتزا ریختم .

این خوشمزه ترین پیتزایی بود که تا به حال خورده بودم.



محدثه میزاجعفر

هیجان بی دردسر در طبقه پنجم خانه ما

محدثه میزاجعفر

بازی های دست ورزی با خانواده

زهرامهدیان

بازی های فارسی کلاس اولی ها

حدیثه ملکی پور

قصه های آبی

فاطمه فیض آبادی

دست سازه های من و مامان بابا

محدثه میزاجعفر

تاب بازی در پارک انقلاب

مهری حدادی، محدثه میزاجعفر

انقلاب در دستان دبستانی ها



فهرست کتاب های الکترونیکی

دریافت از سایت چمرانی  **CHAMRANIHA.COM**

تربیت دینی ۱ | احمد رضا اعلائی | ۷- سال

تربیت دینی ۲ | احمد رضا اعلائی | ۷+ سال

استقلال کودک | زهرا شاه حسینی | ۷- سال

حد و مرز آزادی | زهرا شاه حسینی | ۷- سال

تربیت جنسی ۱ | احمد رضا اعلائی | ۷- سال

تربیت جنسی ۲ | زهرا شاه حسینی | ۷- سال

نقش رسانه در تربیت کودک | زهرا شاه حسینی | ۷- سال



فهرست ویدئوکار گاه های مجازی
دریافت از سایت چمرانی CHAMRANIHA.COM



غاج
غذای اصیل ایرانی

۰۹۱۹۶۸۵۳۳۲۵

عرضه مواد غذایی سالم و ارگانیک غاج

www.Chamraniha.com



راهجه
راهنمایی و مشاوره چمران

مشاوره گفتگویی تخصصی
برای حل چالش های
تربیتی شما

www.Chamraniha.com





"جور دیگر باید دید"

هاچین

هدایای چمران

haachin.ir

هاچین آمده است تا در این بازار هزار رنگ اسباب بازی و محصولات فرهنگی کودکان همیار انتخاب شما و همراه کودکانانتان باشد. هاچین می خواهد به شما ماهیگیری را یاد بدهد. یعنی اینکه قاعده انتخاب محصولات خوب برای کودکانانتان را به شما بیامورد. چرا که عده از مرییان و معلمان کار بلد مجموعه ی آموزشی چمران محصولات موجود در فروشگاه هاچین را گزینش می کنند.

@chamran_gifts

